

سلام الله عليها

مقام و منزلت حضرت زهرا

استاد مرحوم فاطمی نیا





جهت دریافت سایر سخنرانی ها کلیک نمایید .

کانال فیش منبر و مرثیه



- ۶..... مرکب دنیا
- ۸..... آمادگی برای مرگ
- ۹..... قرآنی که در دریا افتاد
- ۱۱..... حکایت شاهزاده خجل
- ۱۵..... شرمساری گناهگار از خدا در قیامت
- ۱۸..... خدا قابل رویت نیست
- ۲۰..... محبوبون در قرآن
- ۲۲..... تمایل فطری انسان به کمال جوئی
- ۲۳..... تواضع و کرامت انسان
- ۲۹..... پیامبر کامل ترین الگو برای بشریت
- ۳۱..... حضرت فاطمه، الگوی امام زمان
- ۳۲..... آیت الله حاج شیخ محمد حسین غروی
- ۳۵..... حدیث قدسی گنج پنهان
- ۳۹..... دعای آخر مجلس
- ۴۰..... ای فاطمه از من بخواه تا عطا کنم
- ۴۲..... خدایا آرزویم تو هستی

روی عناوین کلیک کنید!

خطبه ابتدایی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَي سَيِّدِنَا وَ

نَبِيِّنَا أَبِي الْقَاسِمِ مُحَمَّدٍ وَ عَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ الطَّيِّبِينَ

الطَّاهِرِينَ وَ عَلَى جَمِيعِ أَنْبِيَاءِ اللَّهِ وَ رُسُلِهِ وَ مَلَائِكَتِهِ وَ

أَوْلِيَائِهِ وَ الشُّهَدَاءِ وَ الصِّدِّيقِينَ

وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ

مقدمه

مطلبی را بنده به عنوان مقدمه عرض می‌کنم تا برسیم

به یک بعضی از فضایل حضرت صدیقه کبری.

یعنی این مقدمه‌ای باشد، هم تذکری در آن باشد و هم

مقدمه‌ای باشد ان شاء الله به آن فضیلت برسیم.

بله، عرض می‌کنم حضورتان در قرآن می‌خوانیم که همه

سیرها به سوی پروردگار است.

سیر حالا یک وقت با سین است، سیر؛
ولی بخواهیم با صاد بگوییم، می‌گوییم مصیر،
مصیر هم بازگشت است.

فرقی نمی‌کند؛ یعنی سیر همه خلق به سوی خدا است یا
مصیر که با صاد باشد، بازگشتشان هم به سوی خدا است.
تمام این ذرات عالم بازگشتشان به سوی خدا است.
مصیر گفتم با صاد که به معنای بازگشت بگیرید یا سیر با
سین به معنای حرکت بگیرید؛ هر طور که بگیریم مهم
نیست.

مرکب دنیا

حالا این دنیاها دنیای بسیار عجیب و غریبی است و ما
ذراتی هستیم در یک گوشه‌ای.

مولوی یک بیتی دارد، انصافاً خیلی پرمعنا است، می‌گوید:

پشه کی داند که این باغ از کی است

در بهاران زاد و مرگش در دی است

حالا این عالم را بخواهیم حساب بکنیم چه عالم وسیعی است، در این بالا سر ما چه خبر است، آنجا چیست، نمی‌دانیم.

ولی این مقدار است که خدا صلاح دیده یک امر عظیمی در این کره خاکی حادث شود، در اینجا.

إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً^۱

اینجا باشد این سر و صدا.

آقا، عزیزان خدا اینجا بیایند، مرکب اینجا باشد.

به قول امیرالمؤمنین علیه السلام تجارتخانه دوستان خدا اینجا باشد، سجده‌گاه فرشتگان، مسجد ملائکه اینجا باشد.

۱. سوره بقره آیه ۳۰ (وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً ۗ قَالُوا أَتَجْعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيهَا وَيَسْفِكُ الدِّمَاءَ وَنَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ وَنُقَدِّسُ لَكَ ۗ قَالَ إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ)

آمادگی برای مرگ

علی کل حال، این سیر است و در اختیار ما هم نیست.
یعنی ما خواب باشیم یا بیدار باشیم، ما را می‌برند.
یک ماشین در حرکت است، از اینجا به طرف اصفهان به
طرف مشهد. حالا یک عده هم خواب هستند.
خواب هستند که خواب هستند، مهم نیست. سیرشان
داده می‌شود. چشمش را باز می‌کند می‌بیند که رسیده.
اگر بیدار باشد مناظر را خوب سیر می‌کند، مرتب این
اطراف را می‌بیند. اینجا که رسیدیم چه درختی دارد، این
چشمه‌ای است آن یک دهی است.
اما خواب باشد مناظر را نمی‌بیند، یک دفعه می‌میرد.
یعنی یک دفعه می‌رسد.
آقا مرگ بعضی‌ها را غافلگیر می‌کند؛ مثل همان آدمی که
در ماشین خوابش برده.
و بعضی‌ها اینطور نیستند.

فرمود:

مُوتُوا قَبْلَ أَنْ تَمُوتُوا^۱

یعنی یک کاری بکنید که مرگ غافلگیرتان نکند. مرگ
بباید، اینقدر لطیف باشد که به حکم مرده باشید.
حالا مقدمه را طول ندهم.

قرآنی که در دریا افتاد

مولایمان امام صادق علیه السلام می‌فرماید که قرآنی در
دریا افتاد.

ببینید آقا این اگر یک اتفاقی بود، یک تصادفی بود، امام
معصوم این را ذکر نمی‌کرد.

یک حساب و کتابی بوده که حضرت ذکر می‌کند، می‌فرماید
قرآنی در دریا افتاد.

۱. بحار الانوار ج ۷۲، ص ۵۹.

سابق قرآن‌ها چایی نبود که؛ مرکب بود، خطی بود، این‌ها
زود پاک می‌شد.

می‌گویند رفتند این قرآن را پیدا کردند، دیدند تمام
جمله‌هایش پاک شده، فقط این جمله مانده:

أَلَا إِلَى اللَّهِ تَصِيرُ الْأُمُورُ^۱

یعنی بازگشت امور به سوی خدا است.

این یکی فقط مانده!

یا در سوره مبارکه نجم چه می‌خوانیم؟

عجیب است، می‌گویند:

وَأَنَّ إِلَى رَبِّكَ الْمُنْتَهَى^۲

یعنی به خدا که رسیدیم، دیگر چیزی نیست در آن طرف
غیر از خدا.

۱. سوره شوری آیه ۵۳ (صِرَاطِ اللَّهِ الَّذِي لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ ۗ أَلَا إِلَى اللَّهِ تَصِيرُ الْأُمُورُ)

۲. سوره نجم آیه ۴۲.

عجیب است ها!

چقدر قرآن زیبا است!

آخرین سیر:

وَأَنَّ إِلَىٰ رَبِّكَ الْمُنْتَهَىٰ

حکایت شاهزاده خجل

منتها یک چیزی است به شما اینجا بگویم، این مهم است.

یک مَثَلی است آقا؛ حالا این یک حکایتی است بر حسب مَثَل یعنی بر حسب تمثیل اهل عرفان ذکر می‌کنند. همیشه گفته‌اند در مَثَل مناقشه نیست.

یک حکایاتی است؛ نمی‌دانیم اتفاق افتاده یا نیفتاده. اینقدر می‌دانیم بر حسب تمثیل استفاده می‌شود.

می‌گویند پادشاهی بوده و برای پسرش عروسی می‌گیرد.

خب معلوم است، پادشاه چون این قدرت را داشته از

بهترین جا برای پسرش زن گرفته و عروسی می‌گیرد.

پسر، به عنوان داماد و شاهزاده روی کرسی می‌نشیند که
وزرا، وکلا، مردم بیایند به او تبریک بگویند و چون
تبریک‌گوینده‌ها زیاد بوده، تبریک‌گوها زیاد بوده، ایشان
خسته می‌شود.

شاهزاده خسته می‌شود. می‌گوید من بروم در پایین یک
قدمی بزنم، یک قدری.

عجیب!

عروسی شاهانه است!

عروس به چه مشخصاتی!

عروسی چقدر عریض طویل!

این آقا خسته شده، می‌خواهد برود در پایین قدم بزند.

می‌رود در پایین، نگو شیشه شرابی است. چشمش به آن

می‌افتد، شراب می‌خورد، مست می‌شود، سر به بیابان

می‌گذارد.

این طرف حالا عروسی است.

این طرف پدر، بزرگان، شخصیت‌ها، منتظر هستند.
آقا پسر سر به بیابان می‌گذارد، می‌رود به قبرستان
مجوسی‌ها می‌رسد.

آن زمان رسم بر این بوده که از مجوسی‌ها اگر کسی
می‌مرد، او را شب در یک اتاقکی که در خود قبرستان بود
می‌گذاشتند. در کنار این جسد یک کوره چراغی روشن
می‌کردند تا صبح که آفتاب زد آن را به خاک می‌سپردند.

شاهزاده که سر به بیابان می‌گذارد، می‌رود به قبرستان
مجوسی‌ها می‌رسد.

و بالاخره آن شب نگو پیرزن ۷۰ ساله‌ای از مجوس‌ها از
دنیا دنیا رفته، او را هم در آن اتاقک گذاشته‌اند.

چون مست بوده، خیال می‌کند این اتاقک همان حجله
عروسی است. وارد آنجا می‌شود، در کنار آن جسد تا صبح دراز
می‌کشد.

پدر لشکر خود را بسیج می‌کند، تمام جاها را زیر و رو می‌کنند، پسر را پیدا نمی‌کند تا صبح می‌شود. می‌گویند احتیاطاً سری هم به قبرستان بز نیم، ما که همه جا رفته ایم. می‌گویند خواب اثر مستی را می‌برد.

اینطور شنیده‌ام هر مستی بخوابد، وقتی بیدار می‌شود دیگر مست نیست.

ایشان در آنجا خوابش می‌برد. یک مرتبه به صدای پای اسب و لشکر و صدای سخن گفتن پدر از خواب بیدار می‌شود. لشکر گذرا می‌آیند تا بالای سرش می‌رسند، می‌بینند ایشان همین‌طور رو به خاک گذاشته، سرش را بلند نمی‌کند.

می‌گویند: تو مرده‌ای یا زنده؟ چرا سرت را بلند نمی‌کنی؟
می‌گوید: من زنده هستم، هوشیار هم هستم، اما غصه این را نمی‌خورم که پدرم من را از ولیعهدی بیرون خواهد کرد.

غصه این را نمی‌خورم که من را بیرون کند همیشه براند،
هیچ این غصه‌ها را ندارم.

فقط غصه‌ام این است اینقدر که او به من احترام کرده،
من این‌ها را نادیده گرفتم، من این دستگاہ را مصالحه کردم
به یک جسد پیرزن ۷۰ ساله. الان به چه رویی به صورت پدرم
نگاه کنم؟! شرمنده این هستم.

شرمساری گناهگار از خدا در قیامت

آن وقت شما می‌دانید در احادیث است که یکی از
عذاب‌های روز قیامت شرمندگی است.

خدا می‌گوید اینقدر ما احترام کردیم، اینقدر نازت را
کشیدیم، این چه عاقبتی است!؟

روایت است که یک عده در موقف حساب اینقدر خجالت
می‌کشند،

چون می‌دانید چرا خجالت می‌کشد؟

چرا اینجا نمی‌کشد؟

اینجا پرده است، آنجا عالم کشف غطا است.

می‌گویند:

رَبَّنَا حَاسِبْنَا وَلَوْ إِلَى النَّارِ^۱

خدایا حسابمان را تمام کن، ولو جهنم هم می‌خواهی

بفرستی بفرست.

ما دیگر طاقت نداریم.

رؤیت خدا

ببینید حالا این سیر می‌شود،

اما چه می‌شود؟ می‌بینید یک عده،

آنجا می‌گویند:

وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ نَاصِرَةٌ^۲

۱. تفسیر علی بن ابراهیم ص ۵۵۲. (قُلْ أَنَّهُ إِذَا جَمَعَ اللَّهُ الْخَلْقَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يَقُولُوا قِيَامًا عَلَى أَعْدَائِهِمْ حَتَّى يُلْجِمَهُمُ الْعَرْقُ فَيُنَادُونَ: يَا رَبَّنَا حَاسِبْنَا وَلَوْ إِلَى النَّارِ. قَالَ: فَيَبْعَثُ اللَّهُ رِيحًا فَتَضْرِبُ بَيْنَهُمْ وَيُنَادِي مُنَادٍ: (امْتَارُوا الْيَوْمَ أَيُّهَا الْمُجْرِمُونَ)، فَتَمَيِّزُ بَيْنَهُمْ، فَصَارَ الْمُجْرِمُونَ إِلَى النَّارِ، وَمَنْ كَانَ فِي قَلْبِهِ إِيمَانٌ صَارَ إِلَى الْجَنَّةِ).
۲. سوره قیامه آیه ۲۲.

ناضره اول،

آقایان دیگر استاد هستند، من درس پس می‌دهم.

با ضاد است.

ببینید انتهای سیر را می‌گویید؛ رفته‌اند رسیده‌اند سیر

تمام شده دیگر.

وَأَنَّ إِلَىٰ رَبِّكَ الْمُنْتَهَىٰ^۱

اینجا دو قسمت می‌شوند؛

یک قسمت چی؟

وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ نَّاضِرَةٌ

یک صورت‌هایی هستند که این‌ها پرتراوت هستند،

شادی در این‌ها است، چرا؟

إِلَىٰ رَبِّهَا نَاظِرَةٌ^۲

ناظره دوم با ظاء معلق است.

۱. سوره نجم آیه ۴۲.

۲. سوره قیامه آیه ۲۳.

این‌ها به سوی پروردگارشان نگاه می‌کنند.

خدا قابل رویت نیست

گفتگو شده که خدا **نَعُوذُ بِاللَّهِ** جسم که نیست، ما به خدا نگاه کنیم.

ما می‌دانیم که خدا نه در دنیا نه در آخرت قابل رویت نیست.

توجه فرمودید!

این رویت که اهل سنت می‌گویند خدا در قیامت دیده می‌شود، این عقیده مخالف شیعه است. می‌دانید که چنین چیزی نیست.

گفت که به بینندگان آفریننده را

نبینی مرزجان تو بیننده را

فردوسی را که در دستگاه غزنوی ایراد می‌گرفتند، خُرده می‌گرفتند، یکی‌اش هم برای این یک بیتش بوده است. چون این یک عقیده کاملاً شیعی است، فردوسی شیعه بوده دیگر.

خدا را نمی‌شود دید، نه در دنیا و نه در آخرت.

آن وقت می‌گویند:

إِلَى رَبِّهَا نَاظِرَةٌ

این‌ها به سوی خدای خودشان پروردگارشان نگاه می‌کنند. اصلاً به پروردگار نگاه می‌کنند.

پروردگار که دیده نمی‌شود!

حالا این مشکل است آقا.

یک وجهی که دارد، مفسرین عالی‌مقام گفته‌اند، که ما

فعلاً سرمان گرم بشود، گفته‌اند:

إِلَى رَحْمَةِ رَبِّهَا نَاظِرَةٌ

به سوی رحمت پروردگار نگاه می‌کنند. خودش که دیدنی

نیست!

خلاصه معنایش خیلی عمیق است!

۱. سوره قیامه آیه ۲۳.

حالا **إلى رحمة** هم که می‌گوییم، آن هم یک وجهی است.

چون آقا بعضی چیزها مشکل است.

این را همه می‌دانند که خدا دیدنی نیست. اما حالا **إِلَى**

رَبِّهَا یعنی چی؛ بالاخره این هم ساده نیست، مثل **ضَرَبَ**

يَضْرِبُ نیست.

حالا برای اینکه من یک خرده قانع بشوم، بالاخره یک پرده

برمی‌دارم می‌گوییم:

إِلَى رَحْمَةِ رَبِّهَا نَاطِرَةٌ

خدا می‌داند چیست!

محبوبون در قرآن

این عرض کردم رسیدم به آنجا، سیر تمام شده.

حالا این‌ها یک دسته است:

وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ نَاطِرَةٌ * إِلَى رَبِّهَا نَاطِرَةٌ^۱

۱. سوره قیامه آیات ۲۲-۲۳.

آقا دسته دوم چه هستند؟

این‌ها هم به همان‌جا رسیده‌اند، ساحت همان ساحت

است؛ اما مسئله خیلی فرق می‌کند. می‌گوید:

كَلَّا

نه چنین است!

سرگذشت این‌ها با آنها فرق می‌کند چرا؟

إِنَّهُمْ عَنْ رَبِّهِمْ يَوْمَئِذٍ لَمَّخُوبُونَ^۱

این‌ها آنجا رسیده‌اند، اما از پروردگارشان محجوب

هستند.

مثل اینکه فرض بفرمایید یک دستگاهی باشد، مثلاً یک

بارگاهی باشد. آن بارگاه مخصوص یک سلطانی باشد، یک

بزرگی باشد.

۱. سوره مطففین آیه ۱۵.

آقا یک عده به آنجا می‌رسند می‌گویند دیگر اینجا بن بست است، اینجا آخرین سیر است و هیچ جا دیگر نمی‌توانیم برویم.

اما یک عده هستند می‌گویند بفرمایید زیرزمین. شما سلطان را هیچ وقت نمی‌بینید. بفرمایید آقا! یک عده را زیرزمین می‌فرستند، چهل پنجاه پله پایین می‌رود. یک عده را هم به بالا راهنمایی می‌کنند به محضر سلطان بیایند.

بله سیر تمام شده؛ اما این کجا و آن کجا؟!

تمایل فطری انسان به کمال جوئی

پناه بر خدا!

شما جوان‌ها ان شاء الله بیشتر دقت کنید.

فرق نمی‌کند در توبه به روی همه ما باز است؛ اما شما که

جوان هستید بیشتر دقت بکنید، این در و آن در نزنید.

اخیراً احساس کردم جوان‌ها خیلی سرگردان شده‌اند.

تقصیر هم ندارند. بالاخره این سیر که است، عشق این سیر را خدا در سینه‌شان گذاشته است. خودشان نگذاشته‌اند که! می‌خواهند کامل بشوند.

عشق به کمال اصلاً جزو فطریات بشر است؛ همه می‌خواهند کامل بشوند، همه می‌خواهند بهترین بشوند.

تواضع و کرامت انسان

اما جوان‌ها! عزیزان! اشتباه در تطبیق یک وقت نکنید. هر کس از شما دلبری نکند.

بنده خدا بشوید.

خدا می‌داند ...

حالا کرامت از یک نفری یک وقت صادر می‌شود، سر می‌زند، خودش صاحب کرامت می‌شود؛ اولاً که معلوم نیست صلاح باشد همه صاحب کرامت بشوند.

تو به خودت مطمئن هستی؟! یعنی یک حساب بکن الان

تو صاحب کرامت بشوی، می‌توانی خودت را نگه داری؟

خب آقا این را هم به کسی می‌دهند که خودش را نگه

دارد. صد تا کرامت دارد، اما اینقدر متواضع است!

اما من بعضی‌ها را می‌شناسم، کرامت هم ندارند. خدا

شاهد است در حضور این بزرگوار می‌گویم، یک دو تا **ضَرَبَ**

خوانده، جواب سلام نمی‌دهد. این اگر کرامت داشت، چه کار

می‌کرد؟!

جواب سلام!

خدا شاهد است، مکرر دیده‌ام ها!

نه یک دفعه. سی مورد! چهل مورد! آقا جواب سلام

نیست. چرا؟ گفته **ضَرَبَ يَضْرِبُ**.

آخر بعضی‌ها خیلی زود مست می‌شوند. مست

نمی‌شوند.

بابا مگر ما ندیدیم دریای کرامت بود آقای الهی، برادر آقای

طباطبایی است. خودش!

آقا این‌ها یک طوری مشی می‌کردند در جامعه، انگار یک سر پنیر هم نخوانده‌اند.

وَعِبَادُ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا^۱

و کسی که به رحمان برسد، اتفاقاً وجودش رحمت می‌شود، نگاهش رحمت می‌شود، نوازش می‌شود، نسیم می‌شود.

آخر عباد الرحمن که قیافه برای کسی نمی‌گیرد!

چه عرض کنم، **وَاللَّهِ** چه بگوییم؟!

بندگی خداوند

خیلی چیزها است که نمی‌شود گفت.

فقط اینقدر بدانید که معیار این نیست آدم صاحب

کرامت بشود، معیار این نیست صاحب کرامت ببینی.

حالا اگر شدی، دیدی، آن دیگر با خدا است.

۱. سوره فرقان آیه ۶۳ (وَعِبَادُ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا وَإِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا)

آقا معیار بنده خدا شدن است. معیار یعنی بنده خدا بشوی، معیار یعنی خدا از تو راضی بشود.

معیار این است!

مگر این کم چیزی است که خدا از آدم راضی بشود؟!

خدا از آدم راضی بشود، خیلی حرف است!

امام زمان از یک نفر راضی بشود، این کم چیزی است؟!

حالا اگر چنانچه در این سیر صلاح دیدند یک چیزی هم به

او دادند، به شما عرض کردم که آدم می‌شناسم ممکن است

بتوانیم بگوییم اگر کراماتش ظاهر بشود به طول شهر قم آدم

در خانه‌اش صف بکشد.

اما ماموریتش این نیست. ماموریتش تربیت است، بنده

خدا می‌خواهد بسازد.

سلوک

یک عده ماموریتشان چیز دیگر بود آقا، اصلاً سلوکشان

یک چیز دیگر بود.

شما می‌دانید که سلوک یک چیز عجیبی است؛ ممکن است سلوک تو در نماز شب باشد.

بنده که نمی‌فهمم؛ این‌ها از دهان من بزرگتر است. مثلاً عرض می‌کنم.

یک وقت دیدید آدم یک زن بد اخلاقی دارد، سلوکش این است که با او بالاخره یک طوری مدارا کند، سلوکش این است. یک مادری داری، سلوک تو این است که فقط او را ننگه داری.

بله، یک نفر یک وقتی در تهران یک کار خیری می‌کرد. یکی از اولیا گفت عروج این در این است، این با این بالا می‌رود، این را ترک بکند، می‌افتد.

توجه فرمودید!

ممکن است سلوک یک نفر این است که مریض را مداوا بکند، عقرب زده را علاج بکند. مثل مرحوم حاج شیخ حسنعلی.

آقا این سلوکش، راهش این است!

اما یک بزرگی راهش آن نیست کرامت نشان بدهد،
راهش این است که آدم تربیت کند. و اگر بخواهد کراماتش
ظاهر بشود، آقا شلوغ می‌شود، دیگر به تربیت نمی‌رسد.

اصل تربیت است؛ دنیا نیامده‌ایم صاحب کرامت بشویم!
این کرامت‌ها هم که صادر می‌شود، این‌ها کاشفیت برای
بعضی‌هایش، البته بعضی از اهل عرفان، جمله‌های سبک
گفته‌اند، گفته‌اند کرامت مثل شکلات است که به آدم
می‌دهند.

بله، ممکن است در بعضی جاها اینطور باشد. به این
غلیظی‌ها هم نیست. چون ما آدم‌هایی می‌شناسیم که
کرامت داشته‌اند، مقامشان خیلی بالاتر از شیرینی و شکلات
بود.

یعنی این حرف را تا یک حدی می‌شود روی آن حرف زد، اما به این غلیظی نیست، باید تعدیل بشود. باید گرفته بشود، یک حد وسط گرفته بشود.

حالا این‌ها دیگر حرف اینجا زیاد است. من هم اهلیت ندارم.

پیامبر کامل‌ترین الگو برای بشریت

علی کل حال، وقتی بنده خدا شدیم، این سیر کامل بنده خدا شدن است.

حالا آمدم گفتم حضورتان که این را ما مقدمه قرار دادیم که یک فضیلت از فضایل حضرت صدیقه کبری سلام الله علیها را برایتان بگویم.

آقا ببینید چه مقامی بوده!

خدا شاهد است مقام حضرت زهرا از عقل ما خارج است.

خارج از عقل ما است!

ما از حضرت زهرا چه می‌دانیم؟!

پیغمبر را شما دیده‌اید، در قرآن چه می‌گوید؟

لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ^۱

آقا خجالت می‌کشم بگویم، اما بگذار بگویم.

این حدیث حالا آن نیست؛ آن که می‌خواهم بگویم آن بعد

از این می‌آید.

می‌خواهم عظمت خانم را بگویم.

امام زمان علیه السلام، خاتم السفرا الاهیین است،

یعنی آخرین سفیر خدا در روی زمین امام زمان است.

اصلاً نه امام زمان را شناختیم، نه خدا را شناختیم.

وَاللَّهِ! به خدا بشناسیم، راه‌ها خیلی نزدیک می‌شود.

تو وقتی معتقد بشوی که امام زمان خاتم السفرا است؛

این را با جانت متوجه بشوی، خیلی از مشکلات حل می‌شود.

عیب ندارد، جمکران برو.

۱. سوره احزاب آیه ۲۱ (لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُو اللَّهَ
وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا)

خیلی خوب است، من هم می‌روم، خاکش را هم به چشم می‌مالم.

حضرت فاطمه، الگوی امام زمان

اما ببینید حواستان باشد عزیز من! جمکران می‌روی یا نمی‌روی، هر کجا هستی، بین صحبت خاتم السفر است. خودش هم می‌داند، آخرین نماینده خدا در روی زمین! این چه می‌گوید؟ می‌گوید ...

این آیه را یک بار دیگر بخوانم یادتان بیفتد، که گفتیم چی؟

لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ

امام زمان می‌گوید:

إِنَّ لِي فِي ابْنَةِ رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ

من تابع مادرم هستم.

اللَّهُ أَكْبَرُ!

۱. الغيبة، طوسی، ص ۲۸۶.

آقا خیلی حرف بزرگی است!

خاتم السفرا، آخرین سفیر خدا در روی زمین می‌گوید من
تابع زهرا هستم.

آن وقت من و تو چه بگوییم؟!

آن وقت این است که من خیلی وقت‌ها به رفقا می‌گویم
که دایره اسوه بودن حضرت زهرا را تنگ نکنید، نگویید اسوه
زنان عالم.

بابا اسوه همه عالم است! زن و مرد نداریم دیگر.

چرا دایره را کوچک می‌کنید؟

امام زمان می‌گوید من تابع مادرم هستم؛ آن وقت من و

تو چه باید بگوییم؟!

آیت الله حاج شیخ محمد حسین غروی

گفت که

فضه او مس وجود را طلا کند

خدا رحمت کند مرحوم آیت الله حاج شیخ محمد حسین

حاج شیخ محمد حسین غروی می‌گویند که راضی نبوده
بگویند کمپانی. ولی ما چکار کنیم، تا کمپانی نگوئیم کسی
نمی‌شناسد.

غربی اصفهانی بگویند إن شاء الله. این را همین‌طور
بگویند رایج می‌شود.

می‌گویند راضی نبوده. از آدم معتبر شنیده‌ام، راضی
نبوده.

این آقا این مرد خیلی مرد بزرگی است!

من یک چیزی به شما بگویم، این برایتان یادگار باشد.

یکی از شاگردان برجسته مرحوم

این را حاشیه می‌گویم

یکی از شاگردان برجسته مرحوم آیت الله العظمی آقای

خویی قدس سره، یکی از شاگردان برجسته اش، خوبش، به

خود من گفت. گفت ما پیش آقای خویی یک خرده رویمان باز

بود، خلاصه به ما احترام می‌کرد می‌رفتیم می‌آمدیم .

می‌گفت یک دوره درس اصول، آقای خویی یک دوره کامل فرمود. دوره دوم را می‌خواست شروع بکند، یک مشت طلبه جدید آمده بودند.

آقای خویی دیگر می‌دانید مربی المجتهدین بودند. می‌گویند ما خدمت ایشان رفتیم گفتیم آقا برای این دوره جدید یک مشت چیزهای تازه‌ای بفرمایید.

بعضی‌ها به استاد ایراد می‌گیرند، نمی‌دانم استاد چه می‌کشد!

خیلی ببخشید من این را خیلی خودمانی می‌گویم، نفس‌ها از جای گرم در می‌آید.

او می‌دانید چقدر زحمت کشیده استاد شده؟!

این رفته می‌گویند که آقا یک چیزهای تازه‌تری بگویید!

می‌گویند آقای خوی برگشت با متانت گفت من هر چه آخوند خراسانی داشته، شیخ مرتضی انصاری داشته، به علاوه

چیزهایی که خودم فهمیدم، همه را گفتم. چیز تازه‌ای ندارم بگویم.

محل شاهدِم اینجا است.

گفت اما اگر طلبه‌های مستعد بیشتر از اینکه من گفتم می‌خواهند، در کتاب‌های حاج شیخ محمد حسین دقت کنند. خیلی حرف است!

حاج شیخ محمد حسین می‌گوید:

فضه او مس وجود را طلا کند

آن وقت ما چه بگوئیم؟

خاک پای حضرت زهرا مس‌ها را طلا می‌کند.

حدیث قدسی گنج پنهان

بله، این فضیلت خیلی عجیب است!

ببینید چه عرض کردم، گفتیم سیرها به سوی خدا است،

وَأَنَّ إِلَىٰ رَبِّكَ الْمُنْتَهَىٰ^۱

آمدیم در این دنیا خداشناس بشویم،

وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ^۲

در تفسیرش گفته اند:

أَيُّ لِيَعْرِفُونَ

حالا آن حدیث که است می گوید:

كُنْتُ كَنْزًا مَخْفِيًّا

من نمی دانم آن چقدر صحیح است.

مضمون درست است.

یک وقت ببینید آقا ممکن است یک حقیقتی گفته بشود،

یک مضمونی بشود؛ مضمون درست است، اما حالا سند

چقدر قوی است چطوری است، این یک بحث دیگری است.

۱. سوره نجم آیه ۴۲.

۲. سوره ذاریات آیه ۵۶.

به هر حال می‌گویید:

من نکردم خلق تا سودی کنم

بلکه بهر بندگان جودی کنم

در سوره حمد وقتی می‌گوییم:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ^۱

ما شیعه هستیم بِسْمِ اللَّهِ را جزو سوره می‌دانیم،

اینطور نیست؟

دوباره می‌گوییم:

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ^۲

الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ^۳ را در بِسْمِ اللَّهِ گفته بودیم، درست

است؟

اما بعد از الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، باز می‌گوییم:

۱. سوره فاتحه آیه ۱.

۲. سوره فاتحه آیه ۲.

۳. سوره فاتحه آیه ۳.

الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ

صحبت شده بین علما گفته اند ما که بِسْمِ اللَّهِ را جزو
سوره می دانیم؛ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ در بِسْمِ اللَّهِ گفته شده
بود، پس چرا دوباره بعد از الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ
می گوئیم الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ؟

می گویند این الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ بعد از حمد به منزله بیان
علت است.

چقدر زیبا است!

ممکن است کسی بپرسد چرا آفریده؟ نظرش چه بوده؟

می گوید چون الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ است، آفریده.

اصلاً برای رحمتش ما را آفریده است.

رحمت است، همه اش زیبایی است.

دعای آخر مجلس

إِنْ شَاءَ اللَّهُ که خدا را قسم می‌دهیم حضرت فاطمه زهرا
سلام الله علیه و دخترش حضرت فاطمه معصومه،
إِنْ شَاءَ اللَّهُ گناهان ما را ببخشد.

و خدا **مُقِيلَ الْعَثَرَاتِ** است،^۱ إِنْ شَاءَ اللَّهُ لغزش‌های ما را
نادیده بگیرد.

خدایا ما امروز در اینجا به طمع استجاب دعا آمدیم.
اینجا اگر دعای ما را مستجاب نکنی، کجا می‌کنی؟!
خودت می‌دانی ما حق نداریم؛ مثل یک گدا سؤال
می‌کنیم، در کنار قبر دختر موسی بن جعفر. کجا می‌خواهی
دست ما را بگیری؟!

به عظمت این دو خانم قَسَمَت می‌دهیم، هر چه
خواسته‌ایم به ما مرحمت کن.
با عافیت مرحمت کن.

۱. التوحید (مرحوم شیخ صدوق)؛ ص ۲۲۲.

ای فاطمه از من بخواه تا عطا کنم

و اما آن فضیلت!

گفتیم آمده ایم بنده بشویم و بعد از آن هم چیزی نیست.

وَأَنَّ إِلَىٰ رَبِّكَ الْمُنْتَهَىٰ

می‌گویند روز قیامت خلائق که جمع شدند، یک‌دفعه

سروصدا می‌افتد می‌گویند دختر رسول الله دارد می‌آید،

حضرت فاطمه دارد می‌آید.

آقا همه که ساکت شدند.

صدیقه کبری می‌ایستد. از طرف حضرت حق یک ندا

می‌رسد فاطمه یک آرزویی بکن، یک چیزی بخواب به تو

بدهیم.

عجب!

خانمی که خودش شهیدش شده،

۱. سوره نجم آیه ۴۲.

حضرت معصومه باید ما را ببخشند،

ما اهل پرده‌داری نیستیم، ولی می‌دانیم شهید شده دیگر،

تعارف نداریم که!

هر کسی می‌گوید وفات حضرت زهرا، آدم ناراحت می‌شود؛

بابا

السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيَّتُهَا الصَّديقَةُ الشَّهِيدَةُ

همسرش شهید شده،

حسینش شهید شده،

حسنش شهید شده،

بچه‌های حسینش در به در شدند،

خیمه‌هایش را آتش زدند،

سید سجادش شهید شده،

۱. فرازی از زیارت نامه حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها (السلام عليك ايتهها الصديقة الشهيدة يا فاطمة الزهرا، صلى الله عليك يا فاطمة الزهراء يا بنت محمد يا قرة عين الرسول يا سيدتنا و مولاتنا انا توجهنا و استشفعنا و توسلنا بك إلى الله و قدّمناك بين يدي حاجاتنا يا وجهه عند الله اشفعى لنا عند الله.)

باقر و صادقش شهید شده،
خودش فدا شده،
حالا به این خانم می‌گویند آرزو کن.

مُنَا یعنی آرزو

فاطمه یک آرزو کن!

تمام خلائق گوش می‌دهند. دختر پیغمبر ببینید چه
می‌خواهد؟!

خیلی دستش را باز گذاشته‌اند دیگر!

خدایا آرزویم تو هستی

آی مردم! در این دنیای فانی زودگذری که هیچ‌اش
دهان‌سوزی نیست، یک شخصیتی که یک قدری قدرت دارد به
من یا به تو شب تلفن بزند، بگوید تو هر چه خواهی من
هستم. از شادی خوابمان نمی‌برد.
ما خدا را نشناختیم.

آن وقت رب العالمین به حضرت زهرا می‌گوید من
هستم، هرچه می‌خواهی بگو!

اهل محشر خوب گوش می‌دهند این خانم چه
می‌خواهد، اینقدر دستش را باز می‌گذارند!

یک وقت می‌بینند جواب آمد.

این جواب تماشایی است.

جان من به قربان این معرفت!

خانم جواب می‌دهند،

در حضور دخترشان می‌گویم.

إِلَهِي أَنْتَ الْمُنَى

خدایا آرزویم تو هستی.

چیزی از تو نمی‌خواهم.

غیر از خودت چیزی نمی‌خواهم.

اللَّهُ أَكْبَرُ!

چقدر ما شیعیان افتخار بکنیم!

چه بزرگانی ما داریم!

إلهی أنت المُنَى وَفَوْقَ المُنَى

خدایا آرزو تو هستی، بالاتر از آرزو هم تو هستی.

عجب مقامی است!

عجب عظمتی است!

آخر بیخود نیست که پیغمبر می بینید می گوید من قربان
فاطمه بروم.

این‌ها برای حس دختر پدری نبوده که، یک چیزی در
صورتش می دید که می گفت: فاطمه پاره تن من است،^۱
فاطمه روح من است.

صلوات الله علیه یا ام الائمة المعصومین

یک صلوات محبت کنید.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

۱. بحار الأنوار: ۴۳ / ۲۳ / ۱۷ (رسولُ الله صلى الله عليه وآله: فاطمةُ بَضَعَتْ مِنِّي،
مَنْ سَرَّهَا فَقَدْ سَرَّنِي وَمَنْ سَاءَهَا فَقَدْ سَاءَنِي، فاطمةُ أَعَزُّ النَّاسِ عَلَيَّ).

